

## اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام – ارشد ۹۵

۳۱- نیازهای تعاون و همکاری، محبت و قدرشناسی و تمدن و سازمان‌یافتگی، در کدامیک از سلسله مراتب نیازهای انسانی در سازمان آخرت‌گرا مطرح هستند؟

(۱) نیازهای الهی (۲) نیازهای عقلایی (۳) نیازهای طبیعی (۴) نیازهای مدنی

**پاسخ: گزینه ۴) نیازهای مدنی**

منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، دکتر سیدمحمد مقیمی، انتشارات راه‌دان، فصل ۷



۳۲- آراستن فرد به زیور خصلت‌ها و هنجارهای پسندیده سازمانی در کدام مرحله جامعه‌پذیری سازمانی در سازمان- های توحیدگرا حاصل می‌شود؟

(۱) تخلیه (۲) فنا (۳) تخلیه (۴) تجلیه

پاسخ: گزینه (۳) تخلیه

منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، دکتر سیدمحمد مقیمی، انتشارات راه‌دان، فصل ۶

انسان‌ها برای رسیدن به اوج سعادت و کمال باید مراتب چهارگانه‌ای را طی کنند تا به مقام انسان کامل نایل شوند که با عنایت به این مراتب چهارگانه، می‌توان مدلی برای «جامعه‌پذیری سازمانی در سازمان‌های توحیدگرا» استخراج نمود:

۱- **تجلیه:** مرتبه‌ای است که نفس، قوا و اعضای بدن را با مراقبت کامل تحت انقیاد و اطاعت احکام شرع در می‌آورد تا دستورات و احکام شرعی را به‌طور کامل اطاعت نماید.

در سازمان توحیدی در این مرحله فرد مهارت‌ها و توانمندی‌های فکری و فیزیکی خود را با مراقبت کامل تحت انقیاد و اطاعت سازمان درمی‌آورد تا دستورها و هنجارهای اساسی سازمان را به‌طور کامل اطاعت نماید.

۲- **تخلیه:** مرتبه‌ای است که نفس انسان به مضار و مفسدات اجتماعی و انفرادی خصلت‌های رذیله و پلید آگاهی می‌یابد و با تدبیر در عواقب وخیم آنها در دنیا و آخرت صفات ناپسند را از خود دور می‌کند.

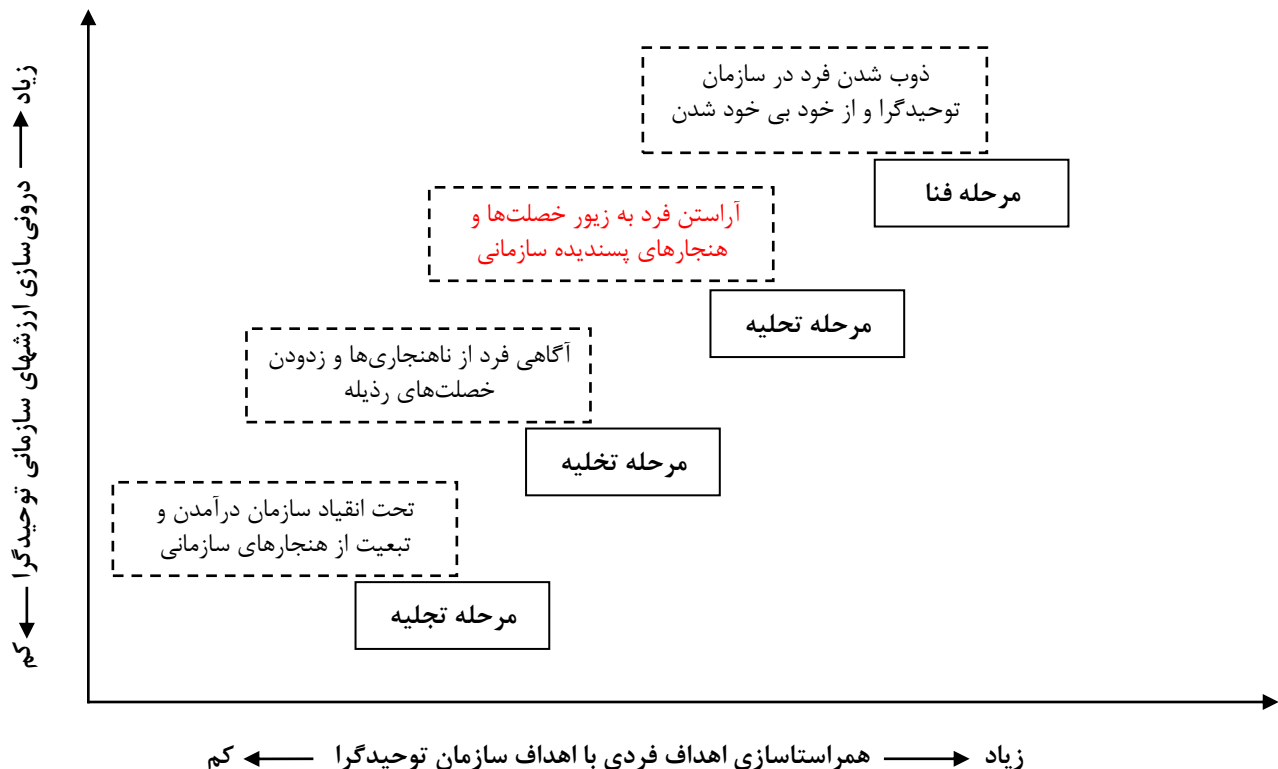
در سازمان توحیدی در این مرحله کارمند به مضار و مفسدات سازمانی و انفرادی رفتارهای نابهنجار و خصلت‌های رذیله آگاهی می‌یابد و با تدبیر در پیامدهای ناخوشایند آنها، رفتارهای ناپسند را از خود دور می‌سازد. (خود را از صفات و رفتارهای ناپسند تخلیه می‌کند و آنها را از خود دور می‌سازد).

۳- **تخلیه:** مرتبه‌ای است که پس از حصول تخلیه و رفع موانع، انسان خود را به زیور اخلاق نیک و خصلت‌های پسندیده که در نظام اجتماع و فرد، تأثیری به‌سزا و عمیق دارند، آراسته می‌کند. (که باعث ایجاد حلاوت و شیرینی در وی می‌شود).

در سازمان توحیدی در این مرحله فرد خود را به زیور اخلاق نیک و خصلت‌های پسندیده که در عملکرد موفق سازمان توحیدگرا تأثیرگذارند، آراسته می‌کند.

۴- **فنا:** پس از حصول و تحقق مراحل سه‌گانه فوق، جاذبه محبت به حضرت حق پیدا می‌شود و به تدریج این محبت شدت یافته و اشتعال و افروختگی در روح پدید می‌آید و انسان از خود بی‌خود و بی‌خبر می‌شود و توحید خالص تحقق می‌یابد.

در سازمان توحیدی در این مرحله در فرد پس از تحقق مراحل سه‌گانه قبلی، جاذبه محبت به خدا و ارزش‌های اساسی سازمان توحیدگرا پیدا می‌شود و به تدریج این محبت شدت یافته و اشتعال و افروختگی در روح پدید می‌آید و انسان از خود بیخود می‌شود و توحید خالص برای انسان تحقق پیدا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که اهداف کارکنان با اهداف سازمان توحیدگرا کاملاً یکسان می‌شود.



### ۳۳- کدام منبع معرفتی در فرآیند ادراک انسانی را اصطلاحاً «حکمت‌یافتنی» می‌نامند؟

(۱) نقلی (۲) عقلی (۳) حسی (۴) غیبی - روحانی

پاسخ: گزینه (۴) غیبی - روحانی

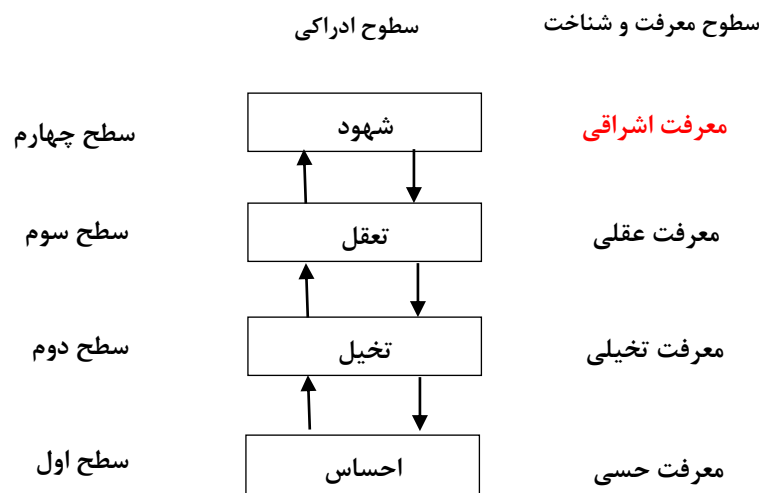
منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، دکتر سیدمحمد مقیمی، انتشارات راه‌دان، فصل ۷

\*گفتیم نازلترین و فرعی‌ترین قوه بینشی انسان، همان **قوه حس** است که مستقیماً در ارتباط با ماده و مادیات قرار دارد. قوه حس هرگز حکم نمی‌کند و فرضیه نمی‌دهد و قضیه درست نمی‌کند و جز دریافت و ادراک محسوسات، نقشی ندارد. ابزار شناخت و روش ادراکات حسی، قوای پنج‌گانه و استقراء و تمثیل می‌باشد. اگر شیء مورد ادراک، جزئی و مادی محسوسی باشد که ادراک آن متوقف بر حضور عینی آن شیء باشد، به چنین ادراکی «احساس» می‌گویند و به نوع معرفت حاصل از آن «معرفت حسی» اطلاق می‌شود. و معرفت‌های لازم در زندگی مادی و حیوانی که با ملاک‌های مادی ارزش‌گذاری می‌شوند، از چنین نوعی هستند.

\*بالتر از قوه حس **قوه خیال** است که خزانه‌ای برای گردآوری مدرکات قوه حس به حساب می‌آید. به تعبیر دیگر، قوه خیال، رابط بین محسوسات و معقولات است. یعنی قوه خیال آنچه را حس می‌شود و در مخزن خیال گرد می‌آید، تجزیه و ترکیب می‌کند و همانند خیاطی می‌برد و می‌دوزد. بدون قوه خیال، هیچ محسوسی، معقول و هیچ معقولی، محسوس نمی‌شود و پیوند بین محسوسات و معقولات قطع می‌گردد. در واقع، قوه خیال است که پس از قطع ارتباط ما با اشیا، تصویر شیء مشاهده شده را در خود حفظ می‌کند و در موقع لزوم در صفحه ذهن منعکس می‌نماید. قوه خیال، وظیفه ذخیره‌سازی اطلاعات را در قالب رمزهای دیداری و شنیداری به عهده دارد. اگر شیء مورد ادراک جزئی و مادی محسوسی باشد که ادراک آن متوقف بر حضور عینی آن شیء نباشد، به چنین ادراکی «تخیل» می‌گویند و معرفت حاصل از آن را «معرفت تخیلی» می‌نامند.

\***قوه عقل** در مرتبه بالاتر از قوه خیال وجود دارد و رهبری قوای ادراکی انسان در جهتی هماهنگ و هم‌سو با علوم فطری و حضوری با اوست. معرفت عقلی از ادراک کلیات حاصل می‌شود و از مجموع اطلاعات و ادراکات جزئی که از طریق حواس ظاهری و قوه خیال بدست می‌آید، مفاهیم کلی را درک می‌کند و «نفس ناطقه» استعداد آن را دارد. وجود چنین معرفتی است که حکیم را قادر می‌سازد به قوانین حاکم بر عالم هستی و روابط بین پدیده‌ها و قانون‌مندی‌ها و اصول حاکم بر آنها پی ببرد و بتواند درباره حیات سیاسی افراد جامعه در راستای مصالح جمعی به قانون‌مندی کلی بپردازد و جامعه را به رشد و تعالی رهنمون سازد. معرفت عقلی علاوه بر این، به شناخت فضایل و رذایل و هم به استخراج امور و صناعاتی که مطابق با مصالح نوع افراد جامعه است - پردازد. ابزار معرفت عقلی، قیاس و استدلال است. اگر شیء مورد ادراک غیرمادی اعم از کلی یا جزئی باشد به چنین ادراکی «تعقل» گویند و به معرفت حاصل از آن «معرفت عقلی» اطلاق می‌شود.

\*علاوه بر قوه خیال و عقل، قوه سومی وجود دارد که آن را **قوه شهودی** می‌نامیم. به نظر آیت الله جوادی آملی پس از وحی، بالاترین روشی که می‌تواند به تبیین مسائل مربوط به جهان‌بینی بپردازد، روش شهود عارفانه است. ادراک شهودی از آن جهت که فرد واقعیت اشیا را درمی‌یابد بالاترین مرتبه ادراک است و «قلب» یکی از ابزارهای مهم آن شمرده می‌شود که در اثر تزکیه و تطهیر می‌تواند به حقایق فوق عقل دست‌یابد و مایه الهام و سروش‌های غیبی باشد. قلب در معنای دوم همان چیزی است که حکما آن را «نفس ناطقه» نامیده‌اند. در قرآن کریم «تَفَقَّه» (به معنای فهم دقیق و عمیق) و «تَدَبَّر» به قلب نسبت داده شده است. علاوه بر علم حصولی، شناخت حضوری به خداوند نیز کار قلب است که خطا در آن راه ندارد. وقتی قلب (صدر- فؤاد- بطن) حقایق را بی‌واسطه درک کند، به آن شهود گویند و علم حاصل از آن را علم حضوری می‌نامند. وحی که بر قلب پیامبر اکرم (ص) نازل شد، شناخت شهودی ایشان است که خطا در آن راه ندارد.



**نکته ۱:** معرفت اشراقی (شناخت از راه شهود) در مقابل معرفت مشایی (شناخت بر مبنای استدلال و منطق عقلی) بر کشف و شهود و ذوق عرفانی مبتنی است که از طریق تجرید از محسوسات و نقش بستن موضوع در ذهن بدست می‌آید که ممکن است فیضی باشد (یعنی از طریق عقل فعال به قوه متخیله آدمی افزوده شده باشد) یا نور الهی باشد که خداوند در قلوب اولیای خویش وارد می‌کند. بنابراین، معرفت اشراقی که از طریق فیض الهی است، برای هر انسانی حاصل نمی‌شود. عقل فعال چیزی است مانند نور که بر اشیاء می‌تابد.

**نکته ۲:** از دیدگاه علامه قطب‌الدین شیرازی منابع معرفتی عبارتند از:

**معرفت حسی، معرفت عقلی، معرفت غیبی-روحانی، معرفت نقلی(شرعی).**

زمانی که نفس از مشغله‌های حسی و تفکر در آنچه حواس وارد ذهن می‌کنند (دو معرفت اول) فارغ شود و مستعد اتصال به عالم غیب گردد تا پرده از روی درک حقایق کنار رفته و با دریافت درونی، معارف حقیقی را که یافتنی هستند نه آموختنی، درمی‌یابد که به آن معرفت غیبی-روحانی می‌گوییم. قطب‌الدین شیرازی معرفت غیبی-روحانی را «حکمت یافتنی» می‌نامد که منبع اصلی آن، شهود و عرفان است. معرفت نقلی نیز به آنچه از طریق منابع شرعی مانند قرآن و حدیث حاصل می‌شود، اطلاق می‌گردد.

**نکته ۳:** ابن‌سینا علم مبتنی بر مشاهده را نوعی معرفت می‌داند که قابل تغییر است اما علم حقیقی از نظر او از طریق آگاهی نسبت به علل و اسباب یک شیء از طریق تعقل و تفکر، تحقق می‌پذیرد. نظر ابن‌سینا چنین است که حس انسان برای ادراک امور لازم و سودمند است ولی بدون تفکر و تعقل هرگز نمی‌توان به کشف مجهولات و ارتباط میان امور دست یافت.

**نکته ۴:** خواجه نصیرالدین طوسی ابزار و طرق خاصی را برای کسب معرفت به تناسب هریک از منابع شناخت معرفی می‌کند که عبارتند از:

۱. استقراء، تجربه و تمثیل: برای معارفی است که از طریق قوای حسی حاصل می‌شود؛
۲. قیاس: برای معارفی که از طریق رجوع به منبع شناخت عقلی به دست می‌آید؛
۳. نقل، استناد و استشهاد: در رجوع به منبع وحی می‌توان از آن استفاده کرده؛
۴. ترکیه نفس: در رجوع به دل به کار می‌آید.

۳۴- با عنایت به فرمایشات امام علی (ع) در نامه مبارک ایشان به مالک اشتر، عنصر کلیدی اعتماد سازمانی کدام است؟

- (۱) نیکوکاری و احسان به کارکنان  
(۲) کاستن از هزینه و موونه زندگی کارکنان  
(۳) عدم اجبار کارکنان به کاری که دوست ندارند.  
(۴) جلوگیری از شایعه پراکنی در سازمان

پاسخ: گزینه (۱) نیکوکاری و احسان به کارکنان

منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، دکتر سیدمحمد مقیمی، انتشارات راهدان، فصل

عوامل موثر بر اعتماد و تعهد سازمانی عبارتند از:

- نیکوکاری و احسان به کارکنان
- کاستن از هزینه و موونه زندگی کارکنان و سبک نمودن بار از روی دوش آنان
- عدم اجبار کارکنان به انجام کاری که دوست ندارند.

**عنصر کلیدی ایجاد اعتماد سازمانی «احسان یا نیکوکاری» است.** اعتمادسازی در کارکنان موجب وفاداری آنها به سازمان و نهایتاً منجر به کاهش دغدغه مدیریت از بروز آسیب‌های سازمانی می‌شود.

«افک» به معنای هر نوع دروغ است و «عصبه» گروهی به هم پیوسته را می‌گویند که به یکدیگر یاری می‌رسانند. آیه ۱۱ سوره نور به داستان افک اشاره دارد که در آن یکی از بستگان پیامبر (ص) توسط منافقان متهم به عمل منافی عفت شد و این شایعه در جامعه پخش گشت. خداوند در آیات بعدی مومنانی را که تحت تاثیر این شایعات فریب خوردند، به دلایل ذیل مورد سرزنش قرار می‌دهد و دستور قضایی اقامه شهود چهارگانه و همچنین حد قذف در صورت عدم اثبات شایعه، صادر می‌شود:

۱. استقبال از شایعه و نقل دهان به دهان شایعه؛
۲. انتشار شایعه‌ای که به آن علم و یقین نداشتند؛
۳. کوچک شمردن شایعه و استفاده از آن به عنوان یک سرگرمی.

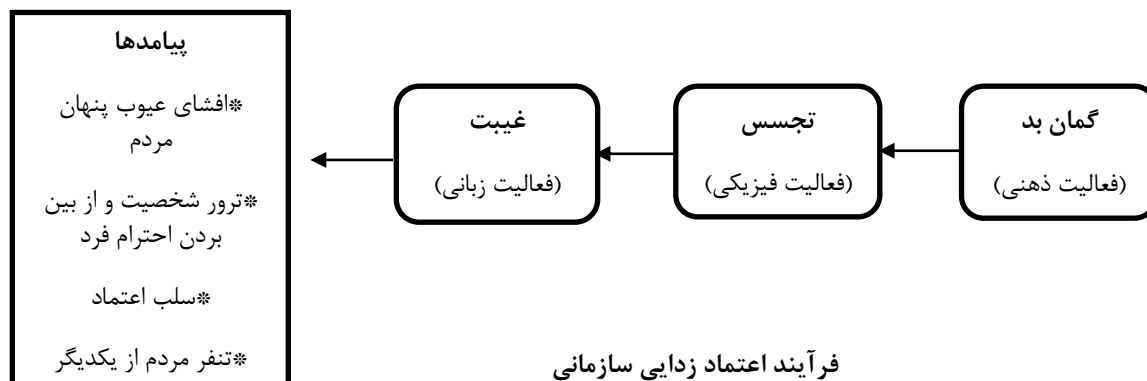
دروغ، غیبت، شایعه‌پراکنی، نشر اکاذیب و ترویج و اشاعه زشتی‌ها از جمله عواملی هستند که سبب خدشه‌دار شدن اعتماد سازمانی می‌شوند. در آیه ۲۱ سوره نور خداوند به همه مومنان هشدار می‌دهد که هرگاه نخستین وسوسه‌های اشاعه هر کار قبیح آشکار می‌شود، باید همان‌جا در مقابل آن ایستاد تا آلودگی گسترش پیدا نکند.

خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره حجرات می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلََّا تَجَسَّسُوا وَلََّا يَغْتَبَ بََعْضُكُم بََعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» ؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها- گمان‌های بد- دور باشید، زیرا برخی از گمان‌ها گناه است. و [در احوال و عیب‌های پنهان مردم] کاوش نکنید، و از پس یکدیگر بدگویی- غیبت- مکنید. آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ بی‌گمان آن را ناخوش و ناپسند می‌دارید. و از خدا پروا کنید، که خدا توبه‌پذیر و مهربان است».

هرگاه گمان بدی نسبت به مسلمانی در ذهن شما پیدا شد، در عمل کوچکترین اعتنایی به آن نکنید و طرز رفتار خود را دگرگون نسازید و مناسبات خود را با وی تغییر ندهید. در روایات دستور داده شده است که اعمال برادرت را بر نیکوترین وجه ممکن حمل کن مگر دلیلی برخلاف آن قائم شود. گمان بد، سرچشمه تجسس و موجب افشای عیوب می‌شود و این امر سبب غیبت می‌گردد که اسلام از معلول و علت نهی کرده و فساد آن را با خوردن گوشت برادر مرده، معادل دانسته است.

باید توجه داشت بین «تجسس» و «بدست آوردن اطلاعات لازم برای اداره جامعه» تفاوتی ظریف وجود دارد. تجسس در زندگی شخصی و خصوصی افراد به شدت نفی شده چرا که اسلام برای حفظ آبرو و حیثیت اجتماعی شهروندان اهمیت و ارزش فوق العاده زیادی قائل است، اما در رابطه با زندگی اجتماعی، آنجا که ارتباط با سرنوشت دیگران و کیان جامعه پیدا می کند، مسئله شکل دیگری به خود می گیرد؛ لذا پیامبر اکرم (ص) مأمورانی را که از آنان با عنوان «عیون» نامبرده می شد، برای جمع آوری اطلاعات قرار داده بودند.



حضرت علی (ع) در خصوص ضرورت اعتماد متقابل می فرمایند: «چون کسی به تو گمان نیک بُرد، خوش بینی او را تصدیق کن».

یکی از قواعد فقهی که منجر به اعتمادسازی در سازمان می شود «**قاعده صحت**» است. در کلیه اعمالی که در آن احتمال صحت و بطلان داده می شود هرگاه اصل وجود عمل و ارکان آن محقق و مسلم تلقی شود و بطلان و فساد آن به علت فقدان شرط یا وجود مانع باشد، حکم بر صحت آن عمل می گردد. اصولاً محور اصلی روابط میان مسلمانان از یک سو و روابط آنها با دیگران از سوی دیگر بر پایه این قاعده استوار بوده است؛ به طوری که اگر قاعده صحت را معتبر نداریم، اصولاً کمتر مبادله و معامله ای سالم باقی می ماند و اقتصاد مسلمانان روال خود را از دست می دهد و موجب آشفتگی و اختلال در نظام زندگی می گردد.

شیخ انصاری در خصوص آیه ۱۲ سوره حجرات می گوید: قدر مسلم از گمان های گناه آلود، گمان بد بردن در مورد صحت اعمال دیگران است و مقتضای گمان بد نبردن، آن است که اعمال دیگران را صحیح بدانیم و آثار صحت را در مورد آنها بپذیریم. مفهوم قاعده صحت عبارت است از اینکه هرگاه مشروعیت اعمال دیگران را به طریقی که مفید علم است، بدست نیاوردیم و احتمال نامشروع بودن عمل برود، باید حمل بر صحت و مشروعیت شود. اعتمادسازی در جامعه امری ضروری است و قاعده صحت می تواند در اعتمادسازی در جامعه نقش موثری ایفا نماید.

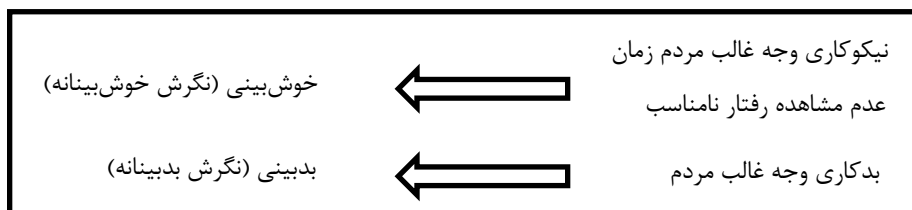
اعتمادسازی در جامعه اسلامی باید از دو طریق انجام پذیرد:

نخست مبارزه و ریشه کن کردن عواملی که موجب بدبینی و سلب اعتماد آحاد جامعه می شود مانند تبعیض ناروا، جهل و بی سوادی، عدم بینش لازم برای تحلیل پدیده های اجتماعی، گریز از مسئولیت و ...

دوم فراهم آوردن بستر لازم برای تفاهم و تقویت همبستگی و اخوت اسلامی در اهداف و انگیزه ها. در چنین شرایطی بی گمان حمل بر صحت می تواند به عنوان یک فرهنگ عمومی نه تنها موجب توسعه اعتمادسازی در جامعه شود، بلکه خود در کنار سایر عوامل کارساز باشد.

البته برخی از فقها عقیده دارند اگر اکثریت جامعه دارای رفتار نادرست باشند یا حتی رفتار صحیح در جامعه امر غالب محسوب نشود، نمی‌توان از قاعده صحت استفاده کرد.

امام علی (ع) ملاک خوش‌بینی و بدبینی را غلبه نیکوکاری بر بدکاری در جامعه می‌داند و می‌فرماید: «هرگاه نیکوکاری بر روزگار و مردم آن غالب آید، اگر کسی به دیگر گمان بد برد، در حالی که از او عمل زشتی آشکار نشده، ستمکار است؛ و اگر بدی بر زمانه و مردم آن غالب شود و کسی به دیگری خوش گمان باشد، خود را فریب داده است».



**۳۵- در کدام رویکرد مدیریت اسلامی، اعتقاد بر این است که باید علم موجود با نظر به اندیشه اسلامی، از ناخالصی‌ها و انحرافات پیراسته گردد و از آن تحت عنوان «اسلامی‌سازی دانش» یاد می‌شود؟**

(۱) تأسیسی (۲) تهذیبی (۳) دایره المعارفی (۴) کثرت‌گرایی

**پاسخ: گزینه (۲) تهذیبی**

منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، دکتر سیدمحمد مقیمی، انتشارات راه‌دان، فصل ۲

در خصوص علم دینی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که این دیدگاه‌ها را می‌توان به علم مدیریت اسلامی تعمیم داد شامل:

**۱. وحدت‌گرایی و کثرت‌گرایی معرفت‌شناختی:** مراد از وحدت‌گرایی معرفت‌شناختی این است که دانش بشری

سنخیتی واحد و یک‌دست دارد و مشخصه آن نیز «تجربی بودن» است. بر این اساس دین اصولاً از حوزه دانش خارج است و خود نیز فاقد ماهیت دانشی است. مراد از کثرت‌گرایی این است که معرفت بشری بافتی یک‌دست ندارد بلکه همچون موجودی چهل تکه است که هر تکه آن، بافت خاص خود را دارد. براساس دیدگاه کثرت‌گرایی پاره‌های مختلف معرفت از یکدیگر مستقل‌اند و سنخیت یا تداخلی باهم ندارند. در رویکرد کثرت‌گرایی، معرفت دینی نیز گونه‌ای از معرفت است که با معرفت علمی نسبت تباین و تغایر دارد. براساس این دو موضع معرفت‌شناختی (وحدت‌گرایی و کثرت‌گرایی)، تعبیر علم دینی بی‌معنا تلقی می‌شود.

**۲. رویکرد استنباطی:** این رویکرد در علم دینی مبتنی بر دین‌شناسی دایره المعارفی است. براساس دین‌شناسی دایره

المعارفی، دین حاوی علوم و دانش‌های مختلفی است که انسان به آنها نیاز دارد. در باب اشتغال دین نسبت به علوم و دانش‌ها دو نظر وجود دارد: در نظر نخست دین همه علوم را با همه جزئیات آنها دربر دارد و در نظر دوم عقیده بر آن است که اصول کلی همه علوم در دین موجود است. براساس نظر نخست باید کوشید با مطالعه دقیق متون دینی، مواد علم مورد نظر را از آنها استخراج نمود و سپس با سازمان‌دهی آنها، پیکره علم مورد نظر را سامان بخشید. براساس این دیدگاه علم دینی به طور کامل «اکتشافی» است و محل اکتشاف آن، متون دینی می‌باشد.

براساس نظر دوم فراهم آوردن علم دینی در گرو آن است که اصول و کلیات آن از متون دینی استخراج شود و سپس با شیوه‌های استنباطی، جزئیات آن مشخص گردد در این حالت، علم دینی به‌طور کامل اکتشافی نیست، بلکه «اکتشافی -

استنتاجی» است؛ یعنی باید به کمک اصول و کلیات دین، فروع و جزئیات را استنباط و مشخص نمود. در خصوص این رویکرد دین، دایره المعارف نیست یعنی عهده‌دار بیان علوم مختلف دیگر اعم از علوم تجربی یا طبیعی یا انسانی نمی‌باشد. در این دیدگاه دین عهده‌دار ارائه همه علوم و معارف نیست و به منزله سخنان متافیزیکی می‌تواند با سایر معارف بشری تعامل ورزد و در تکوین علوم تجربی مشارکت داشته باشد که لازمه چنین امری آن است که آموزه‌های دینی نقشی الهام بخش و پیش‌فرض-گونه در ساختن فرضیه‌های علمی داشته باشند. در این رابطه علامه طباطبایی معتقد است: «چنین نیست که هرچه بخواهیم در قرآن باشد، بلکه در قرآن چیزی است که در رابطه با هدایت است.»

در بخشی از آیه ۸۹ سوره نحل آمده است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ»؛ «و این کتاب را بر تو فرو فرستادیم در حالی که بیان رسا و روشنگر هر چیزی (از علوم و معارف) است و سراپا هدایت و رحمت و مایه بشارت برای مسلمانان است». وجود همه چیز در قرآن بدان معنا نیست که قرآن دایره المعارف علوم و فنون است، بلکه مقصود آن است که کلیات مربوط به هدایت بشر در قرآن آمده است. بنابراین بر اساس آموزه‌های این آیه مبارکه، برنامه-های کلی زندگی را باید از قرآن گرفت.

### ۳. رویکرد تهذیب و تکمیل علوم موجود: تلقی دیگر از علم دینی این است که باید علوم موجود با نظر به اندیشه

اسلامی از ناخالصی‌ها و انحرافات پیراسته گردد. در این مورد باید دقت داشت که آیا اصولاً پیش‌فرض‌های فلسفی و فکری نظریه علمی مورد نظر با بنیان‌های اندیشه اسلامی همخوانی دارد یا نه؟ که اگر نداشته باشد معجونی شکل خواهد گرفت حاوی پاره‌های ناهمساز معرفتی که بهم الصاق شده‌اند.

مشکل دیگر این رویکرد آن است که امکان تطبیق تکلف‌آمیز وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که به‌منظور مطابق دانستن یک آیه یا روایت با فرضیه مورد نظر، گاه معناها و برداشت‌های عجیب و غریبی از آن آیه یا روایت مستفاد می‌شود و یا به قسمتی از آیه و مطالب کوتاه و مجمل از متون دینی استناد می‌گردد.

این امکان هم وجود دارد که احساس بی‌نیازی کاذبی را در افراد به‌وجود آورد که در متون دینی به اندازه کافی در باب موضوع مورد نظر سخن گفته شده است.

استفاده از این رویکرد در مواردی حتی می‌تواند منجر به وهن اسلام شود؛ به‌طوری که قرار گرفتن یک آیه یا روایت در کنار نظریه‌های علمی با مباحث تفصیلی و دقیق منجر به سبک ساختن دین و متون دینی گردد و این تصور نادرست را در مخاطب ایجاد کند که دین به اشاراتی کوتاه بسنده کرده در حالی که دانشمندان علمی در همان زمینه مباحث دقیق و مطالب فراوانی ارائه کرده‌اند.

براساس رویکرد تهذیب رابطه علم دینی با سایر نظریه‌ها رابطه «امتزاج» است؛ یعنی اگر بخواهیم از علم دینی صحبت کنیم باید نظریه‌های غربی را تهذیب کنیم و آنچه را که در اندیشه دینی ما وجود دارد، در خلأهای موجود در آنها بیفزاییم. درواقع، طبق رویکرد تهذیب و تکمیل علوم موجود، با غربال کردن علوم کنونی از عناصری که با اندیشه دینی منافات دارند و افزودن عناصر مطلوب به آن، علم دینی ساخته می‌شود.

### در جوامعی همچون مالزی از این رویکرد تحت عنوان «اسلامی‌سازی دانش» نام برده می‌شود و افرادی همچون

الفاروگی و العطاس، اسلامی کردن علوم را مطرح کرده‌اند و از آن با عنوان نگرش تهذیبی در علم دینی یاد کرده‌اند. این دیدگاه در معرض مخاطره التقاط قرار دارد؛ زیرا نمی‌شود اندام یک علم را از آن جدا کرد و چیز دیگری را به‌جای آن پیوند زد؛ رگ و پی پیش‌فرض در این پیکره، آنچنان عمیق و نافذ است که معمولاً افراد را دچار التقاط می‌کند.

### ۴. رویکرد تاسیسی: نوع مقبول پیوند میان علم و دین در علم دینی را تحت عنوان رویکرد تاسیسی مورد بحث قرار می-

دهند. مراد از این رویکرد آن است که علم دینی همچون هر نوع تلاش علمی دیگری باید در پرتو قدرت الهام‌بخشی پیش‌فرض‌های دینی از یک سو و تلاش تجربی از سوی دیگر، تکوین یابد. در رویکرد تاسیسی کار دانشمند پردازش فرضیه‌های علمی با الهام گرفتن از پیش‌فرض‌های دینی است. بدین ترتیب فرضیه‌ها دو بعدی می‌شوند: از یک جهت متعلق به عالم هستند و از جهت دیگر تعلق به دین دارند، زیرا منبع الهام آنها آموزه‌های دینی است. در صورتی که فرضیه‌های علمی در تناقض با آموزه‌های دینی باشند، در معرض ابطال قرار می‌گیرند. در این صورت علم دینی امری است که محتاج تأسیس خواهد بود. پیش‌فرض‌ها مجموعه گزاره‌هایی است که اغلب جنبه متافیزیکی دارند و به نحوی



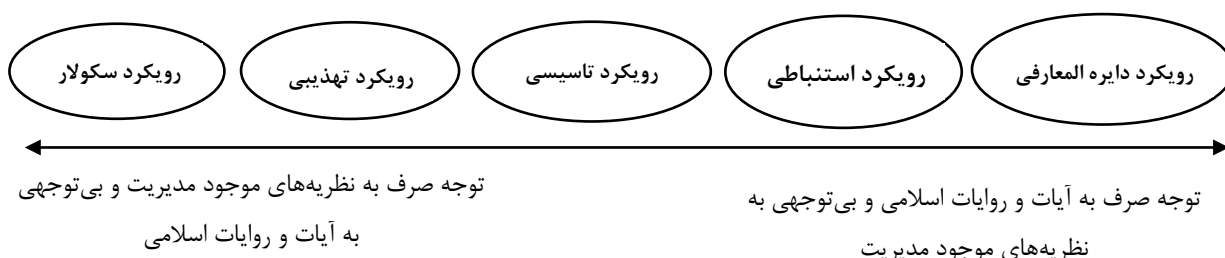
زمینه‌ساز یک علم هستند. فرضیه‌های یک علم که قرار است بعداً به آزمون تجربی گذاشته شود، مبتنی بر این‌گونه گزاره‌ها است.

براساس رویکرد تاسیسی، اگر علم دینی بخواهد تحقق پیدا کند باید مراحل زیر را پشت سر بگذاریم:

- اولاً آموزه‌های دینی را به منزله پیش‌فرض‌های یک علم تجربی در نظر بگیریم.
- ثانیاً در ساختن فرضیات از این پیش‌فرض‌ها الهام بگیریم.
- ثالثاً این فرضیه‌ها را به صورت تجربی مورد آزمایش قرار دهیم.

اگر بتوانیم متناسب با هر علمی پیش‌فرض‌هایی را از متون دینی استخراج کنیم، آنگاه می‌توانیم از تحقق علم دینی سخن به میان آوریم.

لطفاً توجه داشته باشید در رویکرد تاسیسی، محقق با استفاده از پیش‌فرضی که از دین گرفته است فرضیه‌ای را مطرح می‌کند نه این که یک آیه قرآن را به عنوان فرضیه علمی در نظر بگیرد که این اهانت به قرآن کریم و سطحی‌نگری است.



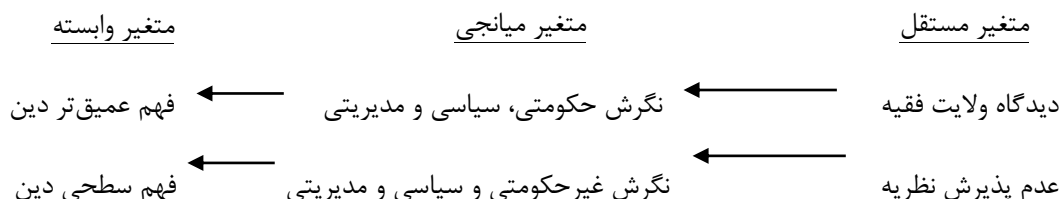
(۴) فقیه عادل	(۳) ثانویه	(۲) حکومتی	۳۶- حکم تعطیلی حج در زمان امام خمینی (ره) چه حکمی بود؟ (۱) اولیه
پاسخ: گزینه (۲) حکومتی			
منبع: مبانی مدیریت اسلامی، رضا نجاری، دانشگاه پیام نور، فصل ۴			

### نظریه ولایت فقیه در دیدگاه امام خمینی (ره):

- علاوه بر شرایط عام مثل عقل و تدبیر دو شرط اساسی برای ولی فقیه وجود دارد: علم به قانون (آگاه به زمان) و عدالت.
- فقیه عادل به عنوان رهبر جامعه اسلامی ولایت مطلقه دارد نه ولایت در بعضی از امور (مثل امور حسبيه)؛ و هیچ تفاوتی در اختیارات حکومتی با رسول اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) ندارد.
- حکومت، شأن و مقام نیست بلکه وسیله انجام وظیفه اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلامی می باشد.
- مقامات معنوی و یا ولایت تکوینی جدا از وظیفه حکومت است که برای امامان معصوم (ع) در اوج است و قابل مقایسه با فقها نیست.
- ولایت فقیه از امور اعتباری عقلایی است و واقعیتی جز جعل ندارد مثل جعل قیم برای صغار (تعیین قیم برای خردسالان)
- لازم نیست صاحب منصبان و مرزبانان و کارمندان اداری همه قوانین اسلام را بدانند و فقیه باشند بلکه کافی است قوانین مربوط به شغل و وظیفه خویش را بدانند.
- جانشینان رسول اکرم (ص) در زمان غیبت فقهای عادل اند و آنان مکلفند اسلام را حفظ کنند.
- فقهای عادل در اجرای قوانین و فرماندهی سپاه و اداره جامعه و دفاع از کشور و دادرسی و قضاوت مورد اعتماد پیامبرند و در حوادث اجتماعی باید به آنها مراجعه شود چرا که آنان حجت امام زمان (عج) بر مردم هستند.

**توجه:** کسی که تئوری ولایت فقیه را قبول داشته باشد به دین با نگرش حکومتی، سیاسی و مدیریتی می نگرد و فهم عمیق تری از دین پیدا می کند و کسی که تئوری ولایت فقیه را قبول نداشته باشد به دین با نگرش غیرحکومتی، سیاسی و مدیریتی نگاه می کند و فهمی سطحی از دین به دست می آورد.

### نقش دیدگاه ولایت فقیه در فهم دین



چند مثال:

۱. **هجرت مسلمانان به حبشه** به دستور پیامبر اکرم (ص) به سرپرستی جعفر بن ابیطالب
۲. **هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه** که امام علی (ع) به جای ایشان در بستر خوابیدند تا مشرکان از ماجرا بویی نبرند.
۳. **پایگاه ابوبصیر** که یکی از مواد صلح حدیبیه بین کفار مکه و پیامبر اکرم (ص) بود که براساس آن هر کس از قریش نزد محمد (ص) برود باید مسلمانان او را به مکه بازگردانند ولی اگر کسی از مسلمانان به مکه برود، کفار مکه او را باز نمی-گردانند.

**نکته ۱:** کسانی که نظریه ولایت فقیه را قبول ندارند با برداشت سطحی از ماجرای مثال اول و دوم فکر می کنند هجرت مسلمانان و پیامبر گرامی اسلام (ص) انفعالی و برای نجات جان بوده است. در حالی که کسانی که نظریه ولایت فقیه را قبول دارند و به سبب آن از فهم عمیق تری نسبت به دین برخوردارند آن دو را برنامه از پیش طراحی شده برای گسترش اسلام و ایجاد حکومت اسلامی می دانند. درمورد مثال سوم نیز اگر چه در ظاهر مسلمانان امتیازی به کفار داده اند اما در باطن زیرکی پیامبر گرامی اسلام (ص) به نفع مسلمانان تمام شد به طوری که کار به جایی رسید که قریش با التماس خواستار لغو این فقره از معاهده شدند.

**نکته ۲:** سه مثال بالا نظریه ولایت فقیه را براساس **فهم سنت** نشان می دهد.

نظریه ولایت فقیه از طریق **فهم قرآن** نیز قابل استنباط است؛ آنجا که بسیاری از دستورات الهی مانند امر به معروف و نهی از منکر، جنگ با دشمنان اسلام، دستگیری و مجازات مجرمان و ... متوجه مقام حکومت اسلامی می باشد.

**نکته ۳:** نقش ولایت فقیه در تحقق دین با توجه به سه دسته از احکام مشخص می شود به شرح ذیل:

**حکم اولیه:** حکمی است که شارع مقدس بدون توجه به شرایط اضطرار در شرایط عادی صادر کرده است. مانند واجب بودن نماز.

**حکم ثانویه:** حکمی است که شارع مقدس با توجه به شرایط اضطرار صادر کرده است. این حکم موقتی بوده و با رفع شرایط اضطرار ساقط می شود مانند حرام بودن خواندن نماز یومیه برای حائض یا حلال بودن خوردن گوشت مردار برای کسی که در حال مرگ است.

**حکم حکومتی:** حکمی است که رهبر جامعه اسلامی به خاطر مصلحت جامعه یا حفظ نظام اسلامی صادر می کند **مانند منع رفتن به حج توسط امام خمینی در یک برهه خاص**. حکم حکومتی ممکن است به طور موقت، واجبی را تعطیل، مباحی را حرام و یا تسامحی در حکم دینی ایجاد کند مانند تغییر میزان یا موارد مصرف زکات یا ولایت بر بخشی از اموال ثروتمندان.

**توجه:** امام خمینی (ره) حفظ نظام اسلامی را اوجب واجبات می داند بنابراین حکم حکومتی را مانند حکم اولیه بلکه بالاتر و مقدم بر تمامی احکام حتی نماز، روزه و حج قلمداد می کند.

**نکته ۴:** رابطه ولایت فقیه با مردم رابطه تبعیت کامل است یعنی مردم باید از رهبر جامعه اسلامی پیروی نمایند.

۳۷- در اصل «آخرت‌گرایی» کدام گزینه درست است؟

- (۱) دنیاطلبی موجب استغنا و استغنا موجب علو و استکبار است.
- (۲) دنیاطلبی موجب طغیان و طغیان موجب علو و استکبار است.
- (۳) علاقه و حبّ دنیا موجب دلبستگی و دلبستگی موجب وابستگی است.
- (۴) علاقه و حبّ دنیا موجب غفلت و غفلت موجب وابستگی است.

پاسخ: گزینه (۱) دنیاطلبی موجب استغنا و استغنا موجب علو و استکبار است.

منبع: مبانی مدیریت اسلامی، رضا نجاری، دانشگاه پیام نور، فصل ۵

### جنبه‌های منفی دنیا:

۱. استغنا: استغنا به معنی احساس بی‌نیازی از خداوند است که انسان را به علو و استکبار می‌کشاند به طوری که طغیان‌گر شده و مانند فرعون ادعای خدایی می‌کند.

دنیا طلبی ← استغنا ← علو و استکبار ← طغیان ← ادعای پروردگاری

ترتیب مهم است. ببینید تست ارشد ۹۵ چگونه طراحی شده!! ما هم متأسفیم که نحوه طراحی برخی تست‌های کنکور به جای آنکه مفهوم‌محور و عمقی باشد، سطحی و حافظه‌محور است.

۲. وابستگی به دنیا: علاقه مفرط و دلبستگی به دنیا نهی شده است. توجه داشته باشید یک فرد می‌تواند ثروت زیادی داشته باشد ولی وابستگی و دلبستگی به دنیا نداشته باشد یا برعکس برخی به کوچک‌ترین ثروت و قدرتی مغرور می‌شوند!

داستان کشکول و درویش: درویشی دوست ثروتمندش را به خاطر داشتن مال فراوان سرزنش می‌کرد. آنها تصمیم گرفتند تارک دنیا شوند و برای عبادت به جایی خارج از شهر بروند. هنوز خیلی از شهر دور نشده بودند که درویش یادش افتاد کشکولش را جا گذاشته و خواست برگردند و کشکولش را با خود بیاورد. دوستش گفت من همه مال و اموال را رها کرده‌ام و تو از یک کشکول نمی‌توانی بگذری؟! دیگر مرا سرزنش نکن بلکه خودت سزاوار سرزنش هستی که به کشکولت وابسته و بدان دلبسته‌ای...

دنیا ← علاقه و حب ← تعلق و وابستگی ← دلبستگی شدید و خوشحالی ← رضایت و اطمینان به دنیا

ترتیب مهم است. لطفاً یکبار دیگر به نحوه طراحی گزینه ۳ و ۴ تست ارشد ۹۵ توجه فرمایید.

۳. مشغله‌های دنیایی و دوری از خدا: توجه صرف به امور دنیوی می‌تواند کم کم موجب دوری از خدا شود که نتیجه‌ای جز گمراهی ندارد. مشغله‌های دنیوی نباید به صورت هدف اصلی درآیند. این جمله معروف که برخی کار می‌کنند تا

زندگی کنند و برخی زندگی می کنند تا کار کنند در فرهنگ ما موید همین موضوع است. با زینت یافتن دنیا چشم انسان کور می شود و از صراط حق منحرف خواهد شد که موجب سلطه شیطان بر او می گردد. دل های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، به شیطان متمایل است.

داستان فقیر در زمان پیامبر (ص): فقیری نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و از ایشان درخواست کمک کرد. حضرت به او فرمود صبر کند که برای او بهتر است اما فقیر لجاجت کرد و حضرت چند دینار به او بخشیدند. فقیر به بازار رفت و با آن دینارها یک گوسفند خرید. پس از مدتی تعداد گوسفندان او زیاد شد. او که وقتی فقیر بود بیشتر به عبادت می پرداخت حالا آنقدر تعداد گوسفندانش زیاد شده بود که مجبور شد به خارج از شهر کوچ کند و فرصت خواندن نماز جماعت با پیامبر (ص) و بهره گیری از محضر ایشان را از دست داد. آن فقیر که حالا ثروتمند شده بود کم کم از آخرت دور و به دنیا نزدیک شد به طوری که وقتی نماینده پیامبر (ص) برای اخذ زکات به او مراجعه کرد از پرداخت زکات امتناع ورزید...

دنیا ← مشغله های دنیوی ← غفلت و نسیان ← دوری از خدا ← سلطه شیطان ← آلودگی تمام عیار

ترتیب مهم است

۳۸- بنابر فرمایش امام علی (ع)، حیات جامعه و نزول خیر و برکت به چه چیزی بستگی دارد؟			
۱) احسان	۲) انصاف	۳) عدالت	۴) مساوات
<b>پاسخ: گزینه ۳) عدالت</b>			
منبع: مبانی مدیریت اسلامی، رضا نجاری، دانشگاه پیام نور، فصل ۵			

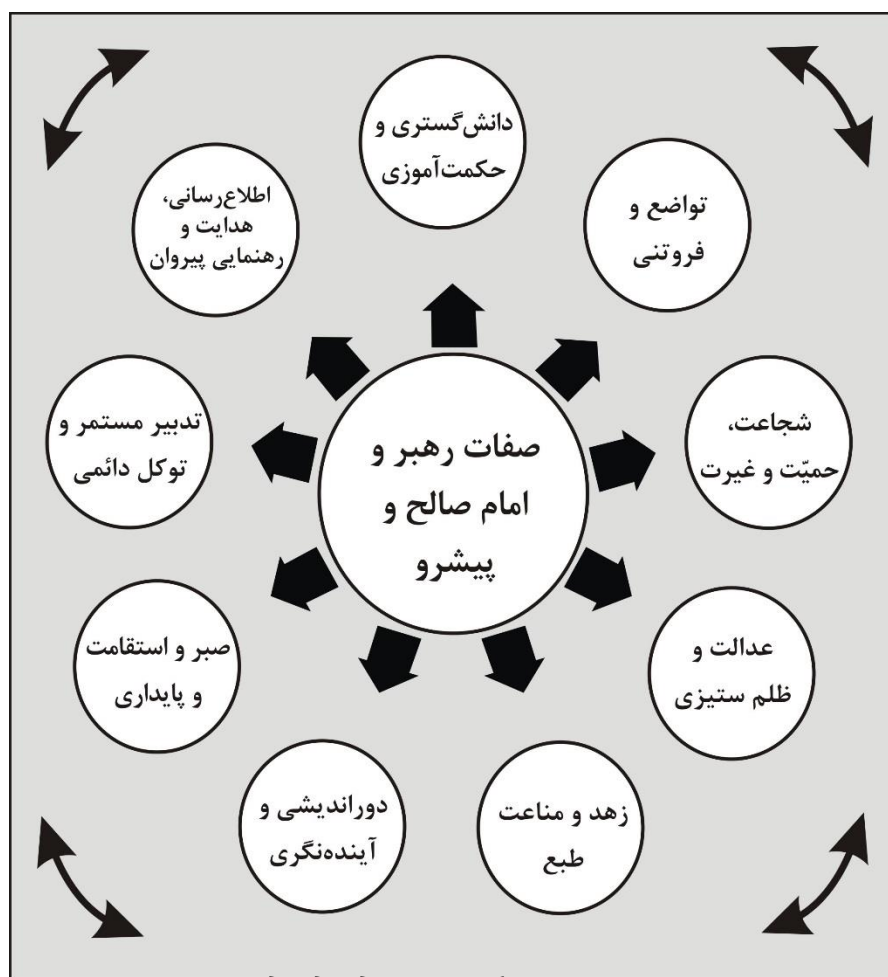
حضرت علی (ع) عدالت را نسبت به همه حتی دشمنان سفارش می کنند. مزایای عدالت در دیدگاه امام علی (ع) چنین است:

۱. ثبات و پایداری مدیریت ها و ریاست ها بستگی به اجرای عدالت دارد.
۲. قدرت و پایداری حکومت بستگی به اجرای عدالت دارد.
۳. **حیات جامعه و نزول خیر و برکت بستگی به اجرای عدالت دارد.**
۴. رشد و صلاح مردم در گرو عدالت است.
۵. اجرای عدالت باعث جایگاه مردمی و نفوذ کلام می شود.
۶. عمران و آبادانی در گرو عدالت است.

(۱) اخلاص (۲) تسلط به زبان عربی (۳) قدرت تفسیر و تعبیر (۴) علم فقه و فقهات	۳۹- مقدمه اصلی و ضروری برای فهم استنباط در محضر قرآن کریم چیست؟
پاسخ: گزینه (۱) اخلاص	
منبع: مدیریت ما (مدیریت اسلامی در پرتو نهج البلاغه امام علی علیه السلام)، علی اصغر پورعزت، فصل ۳	

- برای فهم و استنباط آیات آسمانی قرآن مهارت‌های ذیل لازم است:
    - آشنایی با زبان عربی مبین قرآنی (نه عربی رایج و متداول)
    - آشنایی با اصول فقه و شیوه‌های استنباط فقهی
    - آشنایی با منطق استدلال‌های قرآنی و روایی در سنت اهل بیت (ع)
    - آشنایی با رویه‌های خردمندانه و صحیح استنباط اجتهادی
- (نیت خالص و نفس پاکیزه مقدم بر همه اینهاست؛ چراکه در غیر اینصورت توانمندی‌های چهارگانه فوق، ظرفیت انحرافات سنگینی را ایجاد می‌کنند.)

(۱) آینده‌نگری و پیش‌بینی (۲) انسان دوستی و مهربانی (۳) شناخت سازمان و محیط (۴) شجاعت، عدالت و دوراندیشی	۴۰- مهم‌ترین ویژگی‌های رهبر و امام صالح کدامند؟
پاسخ: گزینه (۴) شجاعت، عدالت و دوراندیشی	
منبع: مدیریت ما (مدیریت اسلامی در پرتو نهج البلاغه امام علی علیه السلام)، علی اصغر پورعزت، فصل ۶	



۴۱- سازمان «آخرت‌گرا» چگونه سازمانی است؟

- (۱) دنیا را وا می‌گذارد و به آخرت می‌پردازد. (۲) سازمانی دنیاساز است، ولی دنیاگرا نیست. (۳) در دنیا به حساب و کتاب آخرت مردم می‌رسد. (۴) دنیا را در کارهای مربوط به آخرت می‌جوید.

پاسخ: گزینه (۲) سازمانی دنیاساز است، ولی دنیاگرا نیست.

منبع: مدیریت ما (مدیریت اسلامی در پرتو نهج‌البلاغه امام علی علیه السلام)، علی اصغر پورعزت، فصل ۸

- سازمان پارسا و آخرت‌گرا، سازمانی است آینده‌نگر و آینده‌ساز؛ بنابراین، سازمان آخرت‌گرا، سازمانی دنیاساز است، اما دنیاگرا نیست؛ کارکنان و مدیرانش طمع خود را از دنیا بریده و به آخرت دل بسته‌اند. اما در دنیا با سعی و تلاش، درصدد عمل صالح و افزایش ثروت برای خدمت به بندگان خداوندند؛ در حالی که همگی به بی‌وفایی و ناپایداری دنیا وقوف دارند و آن را صرفاً مزرعه آخرت می‌دانند.
- حاصل آخرت‌گرایی، پارسایی است. سازمان آخرت‌گرا، فردانیایی است؛ از این رو ممکن است حتی بیش از سازمان‌های دنیاگرا به کار و تلاش و سودآوری بپردازد اما همیشه این باور را در خود حفظ می‌کند که هر آنچه به دست می‌آورد، از جانب پروردگار است و کار و مجاهدت شان "رضا در پیشگاه او" دارد.

۴۲- دو گونه شایستگی که مدیر مسلمان باید از آنها برخوردار باشد، کدامند؟

- (۱) آشنایی با فقه و آشنایی با اخلاق (۲) شایستگی اخلاقی و شایستگی تفسیر (۳) شایستگی اخلاقی و شایستگی فنی (۴) شایستگی تفسیر و شایستگی استنباط فقهی

پاسخ: گزینه (۳) شایستگی اخلاقی و شایستگی فنی

منبع: مدیریت ما (مدیریت اسلامی در پرتو نهج‌البلاغه امام علی علیه السلام)، علی اصغر پورعزت، فصل ۸

- شایستگی در فرهنگ نهج‌البلاغه از دو منظر مدنظر قرار می‌گیرد:

شایستگی اخلاقی

شایستگی فنی

برای دانلود خلاصه درس و تست مدیریت ما (مدیریت اسلامی در پرتو نهج‌البلاغه امام

علی علیه السلام)، علی اصغر پورعزت (همین حالا) اینجا کلیک کنید.

۴۳- در نظام توحیدگرا، با عنایت به سخن خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب «اخلاق ناصری»، معیاری که موجب قوام و استحکام یک نظام می‌شود و بر تمامی تصمیمات، سیاست‌ها و اقدامات سایه افکنده است، کدام است؟

(۱) شایستگی (۲) عدالت (۳) سنت (۴) اجماع عقول

پاسخ: گزینه (۲) عدالت

منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، دکتر سیدمحمد مقیمی، انتشارات راه‌دان، فصل ۱

بسیاری از علما امامت را به حکومت و ریاست تفسیر کرده‌اند. خواجه نصیرالدین طوسی دولت امامت را معادل سازمان و مدیریت اسلامی قلمداد کرده است و کار ویژه «دولت امامت» را شیوع خیرات عامه می‌داند تا مردم را به سعادت حقیقی نزدیک سازد.

از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب اخلاق ناصری خیرات «دولت امامت» عبارتند از:

۱. **امینت:** یکی از نیازهای برتر انسان است و مادامی که چنین نیازی را تامین نکند به امر دیگری نمی‌پردازد.
۲. **سکون:** یعنی برخورداری از ثبات فکری و شخصیتی و آرامش خاطر که بدون آن فرصت تعقل، تفکر، تحول و تعالی میسر نمی‌گردد.
۳. **مودت:** انسان موجودی مدنی بالطبع است و نیازهای خویش را با کمک دیگران و تعاون تامین می‌کند. رواج پیوند دوستی میان افراد پایه‌های حیات جمعی را مستحکم می‌نماید.
۴. **عدل:** عدالت را باید مادر تمام فضایل و حاکم بر تمام سیاست‌گذاری‌ها تلقی کرد. **عدالت در جامعه باعث ثبات** و ایجاد بستری برای اشاعه خیرات دیگر می‌گردد.
۵. **عفاف:** یعنی شهوت نفس و قوای نفسانی جامعه مطیع نفس ناطق و قوه مدبره دولت حق قرار گیرد.
۶. **لطف:** لطف کردن به زیردستان و رواج آن در بین مردم قلوب اقشار جامعه را به یکدیگر نزدیک می‌کند.
۷. **وفا:** وفای به عهد و تعهدات حقوقی و اخلاقی یکی از نیازهای حیات جمعی است که دولت باید آن را در جامعه نهادینه کند.



۴۴- در خصوص ماهیت مدیریت که از آن به عنوان «تولیت امر اجتماع» یاد می‌شود، کدام صاحب‌نظر معتقد است که در مدیریت اسلامی «تولیت امر اجتماع باید مبتنی بر عدالت باشد»؟

(۱) ابوریحان بیرونی (۲) یحیی بن سعید حلّی

(۳) خواجه نصیرالدین طوسی (۴) علامه محمدتقی جعفری

پاسخ: گزینه (۱) ابوریحان بیرونی

منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، دکتر سیدمحمد مقیمی، انتشارات راه‌دان، فصل ۱

• **ابوریحان بیرونی** در خصوص ماهیت مدیریت که از آن با عنوان «تولیت امر اجتماع» یاد می‌کند به چند نکته اشاره می‌نماید:

(۱) پیدایی تولیت امر اجتماع برای سعادت اجتناب‌ناپذیر است؛

(۲) **تولیت امر اجتماع باید مبتنی بر عدالت باشد؛**

(۳) معیار عدالت، قانون صحیح است؛

(۴) قانون صحیح آن است که توأم با منصوصات الهی.

• **ابوالصلاح حلبی** از حاکم اسلامی با عنوان «امام ملت» یا «ولی امر» یاد می‌کند که از نظر مفهومی اختصاص به معصوم ندارد و مراد کسی است که در هر زمان سمت پیشوایی ملتی را بر عهده دارد.

• **شیخ طوسی** امامت را دارای دو جهت «رهبری دینی» و «زعامت سیاسی» می‌داند. وی نیز وجود عصمت را برای حاکم ضروری نمی‌داند و مشروعیت او را خاستگاهی (از طرف امام معصوم (ع)) قلمداد می‌کند.

شیخ طوسی یکی از مواردی را که موجب تحدید (محدود شدن) اختیارات رهبری می‌گردد «مصالح عامه و منافع عمومی» می‌داند.

شیخ طوسی از مسئولیت فرمانداران و امیرانی که از طرف امام امت یا نایب او به‌سوی مناطقی که از مرکز حکومت فاصله دارد برای انجام ماموریت گسیل می‌شوند، با عنوان «تولیه ولایه من الأمرء» یاد می‌کند. وی معتقد است چنین فرمانداران و امیرانی باید در آغاز با مسئولیت‌های اجرایی خرد و کوچک شروع کنند تا برای مسئولیت‌های بزرگ آماده شوند.

شیخ طوسی مسئولیت «ناظر در امور مسلمین» را در زمان عدم حضور معصوم و وظیفه فقها و به فرض عدم حضور فقیه، وظیفه مسلمین عادل می‌داند.

• **یحیی بن سعید حلّی** معتقد است معنای حاکم در زمانی تحقق می‌یابد که تنازع و تخصمی در کار باشد. ( برای رفع و حکم راندن بر منازعات)

• **علامه حلّی** سلطان را شامل چهار دسته می‌داند:

(۱) امام معصوم (ع)

(۲) نایب امام و مأذون از سوی او در عصر حضور

(۳) مأذون از سوی امام در عصر غیبت (فقیه جامع الشرایط)

(۴) منصوبان حاکم شرع

۴۵- امام علی (ع) می‌فرماید: «هنگامی که عزم و اراده با دوراندیشی همراه شد، سعادت و نیکبختی کامل گردد»؛ این سخن ناظر بر کدام مبنا و اصل در مدیریت اسلامی است؟

(۲) تصمیم‌گیری

(۱) عزم و اراده مدیران

(۴) برنامه‌ریزی

(۳) رفتار و جلوه‌های آن در سازمان

پاسخ: گزینه (۴) برنامه‌ریزی

منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، دکتر سیدمحمد مقیمی، انتشارات راه‌دان، فصل ۳

**در باب اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی** امام علی (ع) در خطبه ۱۵۴ نهج البلاغه چنین می‌فرماید: «عمل‌کننده بدون آگاهی و برنامه، چون رونده‌ای است که در بیراهه می‌رود، پس هرچه شتاب کند از هدفش دورتر می‌ماند و عمل‌کننده از روی آگاهی و برنامه، چون رونده‌ای بر راه راست است؛ پس بیننده باید به درستی بنگرد آیا رونده راه مستقیم است یا واپس‌گرا؟»

لذا گام اول در حرکت به سوی هدف، داشتن برنامه و نقشه ذهنی است. «ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرُهُ» در آیه ۲۰ سوره عبس، به این حقیقت اشاره دارد که تقدیر الهی برای انسان با اختیار او منافات ندارد. در آیه ۱۱ سوره رعد می‌خوانیم «... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» یعنی «... خداوند سرنوشت هیچ قومی (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند...».

بر اساس آیه ۳ سوره یونس خداوند آسمان‌ها و زمین را در شش مرحله (دوران) خلق کرده که نشان‌دهنده برنامه‌ریزی و مرحله‌بندی و تدبیر در آفرینش است.

رسول گرامی اسلام (ص) به «دوراندیشی» و «عاقبت‌اندیشی» سفارش بسیار فرموده‌اند.

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «سفارش می‌کنم هرگاه خواستی کاری انجام دهی به سرانجام آن بیاندیش؛ اگر مایه رشد بود آن را انجام بده و اگر مایه فساد و تباهی بود آن را رها کن»

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «دوراندیشی، نظر افکندن به عاقبت و سرانجام کارها و مشاوره و رایزنی با خردمندان است.» ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «**هنگامی که عزم و اراده با دوراندیشی همراه شد، سعادت و نیکبختی کامل گردد.**»

امام علی (ع) در اهمیت برنامه‌ریزی فردی و سازمانی می‌فرماید: «هیچ فرد و جامعه‌ای تا این سه موضوع را در نظر نداشته و کامل ننموده باشد، هرگز حقیقت ایمان را درک نکرده است: ۱. فهمیدن معارف و مسائل دینی ۲. داشتن صبر و تحمل در فرا راه مشکلات و مصیبت‌ها ۳. تنظیم نقشه اقتصادی (معاش) صحیح و کامل»

همچنین امیرمومنان (ع) خطاب به امام حسن (ع) می‌فرماید: «پسر! بدان آن کس که مرکبش شب و روز آماده است، همواره در حرکت خواهد بود، هرچند خود را ساکن پندارد، و همواره راه می‌پیماید، هر چند در جای خود ایستاده و راحت باشد»

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «استواری زندگی به برنامه‌ریزی نیکو و سنجه آن دوراندیشی نیکو است.»